

تحلیل و بررسی مسئله دوستی در روایات

محمدعلی شکرینیا / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

shokrinia.ma@gmail.com

ali_hosseini@rihu.ac.ir

سیدعلی حسینی زاده / استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پذیرش: ۹۳/۱۱/۱

دریافت: ۹۳/۵/۱۱

چکیده

مقاله حاضر تلاش دارد با روش تحلیل عقلی و استنباط منطقی، دیدگاه اسلام در مسئله دوستی را از طریق بررسی روایات معصومان علیهم السلام تبیین نماید. در خصوص فلسفه دوستی، متناسب و همسو با روایات، دو الگوی «مدنی» و «هستی‌شناختی» مطرح گردیده است که بر اساس آن رابطه دوستی، یک ضرورت برای تحقق حیات مطلوب اجتماعی و حرکت انسان به سوی کمال و سعادت نهایی، بر مدار توحید تلقی شده است. این دو الگو، به کارکرد حمایتگر دوستی در تأمین نیازهای جسمی، مادی، روانی و اجتماعی، و کارکرد هدایتگر آن در مسیر توحید و بندگی اشاره دارند. روایات با تأکید بر اهمیت تحقیق و آزمون در انتخاب دوست، روش‌ها و معیارهایی را برای این اقدام برشمرده‌اند و راه‌کارهایی برای تداوم و تقویت پیوند دوستی ذکر کرده‌اند. همچنین در روایات، سلسله‌مراتبی از روابط دوستی ترسیم شده است که در بالاترین مراتب آن، دوستی با انبیا و معصومان علیهم السلام و اولیای الهی قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: دوستی، روایات، ائمه اطهار علیهم السلام.

مقدمه

غیرحقیقی روشن خواهد شد. دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف، نگاه متفاوتی به فلسفه دوستی داشته‌اند و هر دیدگاه بسته به اینکه فلسفه دوستی را چگونه تبیین کرده باشد، پاسخ‌های معینی به سؤالات مختلف داده است. تأمین نیازهای روحی، روانی و اجتماعی و حتی مادی در دیدگاه‌های گوناگون به عنوان فلسفه دوستی مطرح شده‌اند و تفاوت آنها گاه در اولیوی است که به هر کدام از این نیازها داده می‌شود.

تردیدی نیست که مسئله دوستی در گستره تعالیم انسان‌ساز اسلام نیز مغفول واقع نشده، بلکه به لحاظ تأثیری که در حیات اجتماعی و سرنوشت نهایی انسان دارد، از جایگاه و اهمیت والایی برخوردار بوده و مورد تأکید فراوان قرار گرفته است؛ از این رو، بحث و بررسی پیرامون مسائل یادشده از دیدگاه اسلام و آگاهی از پاسخ‌های ارائه‌شده به این مسائل اهمیت و ضرورت خاصی خواهد داشت. پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه اغلب به گردآوری آیات و احادیث پرشمار با موضوع دوستی پرداخته‌اند و در مواردی نیز این آیات و روایات را برحسب برخی مسائل نظیر ملاک انتخاب دوست، عوامل ثبات و تزلزل رابطه دوستی، تأثیر دوستان در سرنوشت انسان و مصادیقی از دوست خوب و بد دسته‌بندی کرده‌اند. مقاله حاضر نیز درصدد است مسائل یادشده را از طریق بررسی در روایات معصومان علیهم‌السلام، اما با رویکردی کیفی و تحلیلی و نیز بر مبنای فلسفه و نگرش حاکم بر ارتباط دوستی، تبیین نماید. از این رو، سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: نگرش اساسی روایات معصومان علیهم‌السلام اسلامی به مسئله دوستی چیست؟ سؤالات فرعی نیز به قرار ذیل می‌باشند: ۱. فلسفه و مبنای دوستی از منظر روایات چیست؟ ۲. کارکرد روابطه

برقراری ارتباط دوستانه، یکی از رفتارهای اجتماعی است که اغلب انسان‌ها در دوران زندگی اجتماعی خویش آن را یاد می‌گیرند و تجربه می‌کنند. ظهور و بروز این رفتار اجتماعی به دورانی بازمی‌گردد که انسان «خود» را می‌یابد و اولین ارتباط را با این «خود» برقرار می‌کند. انسان در ارتباط با خود کاملاً صادق و روراست است؛ انتظاری هم که از رابطه‌های دوستانه با دیگران دارد، همین صداقت و یک‌رنگی می‌باشد و از این نظر، دوست را «صدیق» نامیده‌اند. البته در زبان عربی و در فرهنگ دینی ما علاوه بر صدیق، اصطلاحات و واژه‌های دیگری نیز مترادف با دوست به کار رفته است؛ از جمله «حبيب»، «خلیل» و «رفیق». خود واژه دوست، ظاهراً در اصل به معنای چسبیدن و پیوستن به چیزی بوده است و چون دو تن با هم به جان و دل می‌پیوندند، دوست نامیده شده‌اند (دهخدا، ۱۳۶۵). «حبيب» یعنی کسی که محبوب ماست و «رفیق» به معنی همراه و همدم (همان)، و اگر دوست را «خلیل» گفته‌اند، بدان جهت است که آدمی «خلت»، یعنی حاجت خود را به او می‌گوید، و او حاجت وی را برمی‌آورد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۸۱).

در ارتباط با مسئله دوستی چند سؤال مهم مطرح می‌شود؛ از جمله: چرا انسان باید با دیگران ارتباط دوستانه داشته باشد؟ رابطه دوستی باید بر چه اساسی استوار باشد؟ با چه کسانی باید ارتباط دوستی برقرار کرد و با چه کسانی نباید ارتباط دوستی برقرار کرد؟ معیارهای انتخاب دوست و عوامل تقویت رابطه دوستی کدامند؟ پاسخ به سؤال اول که در واقع، بیان فلسفه دوستی است، زمینه را برای یافتن پاسخ سؤالات بعد فراهم می‌کند. به بیان دیگر، اگر معلوم شود که فلسفه دوستی چیست، آنگاه اساس دوستی و نیز تشخیص دوست حقیقی از دوستان

از دوستی مطرح می‌کند که مبتنی بر «الگوی کیهانی» یا هستی‌شناختی است. کیهان‌شناسی اشراقی دارای جهان‌بینی سلسله‌مراتبی است و به مراتب انوار در نظام عالم اعتقاد دارد که در نهایت به یک وحدت برمی‌گردند. مراتب وجودی یا نور پایین‌تر نسبت به سطوح بالاتر محبت دارند و مراتب بالاتر نسبت به مراتب پایین‌تر قهر یا سلطه دارند (سهروردی، بی‌تا، ص ۹۵). این نسبت قابل تعمیم به تمام روابط اجتماعی - سیاسی در جهان است. در این فلسفه، بر ولایت و دوستی تأکید شده است. فلاسفه متأخر اسلامی، از صدرالمؤمنین به بعد، هم به الگوی دوستی مدنی توجه دارند و هم الگوی دوستی کیهانی را مدنظر قرار می‌دهند. برای مثال، خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری هم بر الگوی دوستی مدنی تأکید می‌کند و هم الگوی دوستی کیهانی را مورد توجه دارد (بستانی، ۱۳۹۲).

در تبیین فلسفه دوستی بر اساس این دو الگو، می‌توان چنین گفت که الگوی مدنی، بیشتر متضمن تأمین نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی انسان است، اما کمال انسان هرگز به این امور محدود نمی‌شود. حرکت تکاملی انسان، حرکتی است بر مرکب جسمانیت، در بستر مدنیت، با سمت‌وسوی وحدانیت. جنبه‌های جسمی و مدنی، لازمه کمال انسان هستند، اما ماهیتی کثرت‌گرا دارند و هرگز نمی‌توانند کمال نهایی انسان را تأمین نمایند. به بیان دیگر، حرکت تکاملی، حرکت و سلوک از کثرت به وحدت است. از این رو، فراسوی الگوی مدنی، باید یک «الگوی کیهانی» وحدت‌آفرین قرار داشته باشد تا حرکت تکاملی انسان را تداوم ببخشد و به وحدانیت برساند.

این دو الگوی یادشده، در بررسی مسئله دوستی از منظر روایات معصومان علیهم‌السلام، که در ادامه به آن خواهیم پرداخت، نیز مورد تأیید می‌باشد. از این منظر، افرادی که با

دوستانه چیست؟ ۳. ضرورت‌های انتخاب و تداوم دوستی کدام است؟ ۴. مراتب دوستی از منظر روایات چیست؟

۱. فلسفه و مبنای دوستی

آغاز بحث فلسفه دوستی را می‌توان در اندیشه‌های فلاسفه قدیم یونان، به ویژه افلاطون و ارسطو جست‌وجو کرد. از نظر این اندیشمندان، دوستی بر مبنای «الگوی مدنی» استوار است. ارسطو در اخلاق نیکوماخوس و رساله سیاست توضیح می‌دهد که دوستی عامل پیوستگی و هم‌پیوندی میان جوامع است و تازه بعد از آن است که مفاهیمی مثل عدالت و فضایل اخلاقی مطرح می‌شود. این نگرش به دوستی در روایت‌های جدید و فلسفه سیاسی جدید غرب هم تداوم پیدا می‌کند. برای مثال، در اندیشه هابرماس - یا در قالب جهان‌وطنی - و در اندیشه ژاک دریدا - همین نگرش مطرح شده است (بستانی، ۱۳۹۲).

در فلسفه اسلامی نیز ابتدا همین الگوی مدنی ارسطو در آرای فیلسوفان مشایی بازتاب داشته است. برای مثال، فارابی در کتاب فصول منتزعه (ص ۷۰)، به طور خاص، دوستی را به عنوان عامل پیوند و ائتلاف میان اعضای مدینه فاضله معرفی می‌نماید. حتی می‌توان فرض را بر این گذاشت که نزد فارابی علم مدنی همان علم دوستی است (بحرانی و شکوری، ۱۳۸۷). مسکویه هم که به عنوان یک فیلسوف مدنی اسلامی شناخته شده است، در کتاب تهذیب الاخلاق با برداشتی مدنی از دوستی و محبت، آن را شریف‌ترین غایات می‌داند و معتقد است: رئیس مدینه باید مودت و دوستی را میان اعضای مدینه ترویج کند. او فلسفه نماز جماعت و جمعه و فضیلت آن را همین ایجاد محبت و دوستی در بین مسلمانان می‌داند (ابن مسکویه، بی‌تا، ص ۶۷).

اما سهروردی، بنیان‌گذار فلسفه اشراق، روایت دیگری

یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و یکدیگر را به عنوان دوست برمی‌گزینند، علاوه بر اینکه نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی یکدیگر را برآورده می‌کنند و نقایص و معایب یکدیگر را رفع می‌نمایند، در رسیدن به سعادت معنوی و کمال نهایی نیز با همدلی و مراقبت و هدایت یکدیگر، زمینه تحقق و تجلی وحدت در عالم هستی را فراهم می‌کنند. دو نقش دوست، یعنی هدایت‌گری و حمایت‌گری که در مقاله حاضر از روایات استنباط شده است، با دو الگوی فوق‌الذکر مطابقت دارد.

در حقیقت، مبنا و محور اصلی دوستی دو یا چند نفر در جامعه اسلامی، توحیدگرایی است. اگر دوستی فی‌الله شد و محور خدا بود، دوستان با هم متحد می‌شوند و علاوه بر حمایت و پشتیبانی از یکدیگر در تأمین نیازهای مادی، حرکت یکدیگر در مسیر کمال را موجب می‌شوند، ولی اگر محور دوستی، تنها منافع مادی و کثرات دنیوی شد، خودخواهی و تشمت بروز می‌کند و ریشه اختلاف و دشمنی و سقوط انسانیت در همین خودخواهی و منفعت‌طلبی است. از دیدگاه قرآن کریم، چنین رفاقت‌هایی در آخرت به دشمنی تبدیل می‌شود (زخرف: ۶۷). امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «أَلَا كُلُّ خَلَّةٍ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا فِي غَيْرِ اللَّهِ فَإِنَّهَا تَصِيرُ عَدَاوَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۲۳۷)؛ آگاه باشید! هر دوستی و رفاقتی که در دنیا بر پایه غیر خدا بنا شود، در قیامت، تبدیل به دشمنی می‌شود. قیامت تجلی حقیقت امور است و حقیقت رفاقت بر محور انتفاع مادی و منفعت‌های دنیوی، چیزی جز دشمنی و خصومت نیست. آنچه در این نوع رفاقت‌ها مطرح است سودبری است؛ تا وقتی که از رفیق سود برده شود، رفاقت پابرجاست. اما بسیار، اتفاق می‌افتد که منافع طرفین رفاقت دنیوی در تزاخم قرار می‌گیرد؛ زیرا اصولاً دنیا چون محدود است،

دار تزاخم است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «مَوَدَّةُ أَيْبَاءِ الدُّنْيَا تَزُولُ لِأَدْنَى عَارِضٍ يُعْرِضُ؛ إِخْوَانُ الدِّينِ أَبْقَى مَوَدَّةً» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۳ و ۷۰۸)؛ دوستی برادرانی که به خاطر دنیا دوست شده‌اند بریده می‌شود؛ زیرا عوامل آن دوستی‌ها زود از بین می‌رود. ولی دوستی کسانی که به خاطر خدا دوست‌اند ادامه پیدا می‌کند؛ چون عامل آن دوستی، دائمی است. مجموعه این روایات بیانگر آن است که اساس رفاقت‌ها باید «لله و فی‌الله» باشد. اگر دوستی‌ها بر این اساس شکل بگیرد، ضمن آنکه تداوم آنها تضمین می‌گردد، در راهبرد انسان به سوی کمال و سعادت ابدی که همان «قرب الی‌الله» است، نیز تأثیر قابل توجهی خواهد داشت. در روایات، وجود دوست برای پیمودن مسیر «قرب الی‌الله» به منزله وجود مهم‌ترین عضو برای بدن برشمرده شده است: «مَنْ فَقَدَ أَخًا فِي اللَّهِ فَكَأَنَّمَا فَقَدَ أَشْرَفَ أَعْضَائِهِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۱۴)؛ هر که دوستی ندارد، همانند انسانی است که مهم‌ترین اعضای خود را از دست داده است.

۲. کارکرد رابطه دوستانه

انسان در تمام ادوار زندگی، از ایام کودکی و جوانی تا دوران کهولت، همواره نیازمند رفاقت و دوستی است. روایات متعددی در ضرورت و اهمیت دوست‌یابی وارد شده است که فرمایش‌های زیر از امیرمؤمنان علی علیه السلام از آن جمله است: «أَعَجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الْإِخْوَانِ وَ أَعَجَزَ مِنْهُ مَنْ ضَيَعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۲۷۸)؛ ناتوان‌ترین مردم کسی است که از دوست گرفتن عاجز باشد و ناتوان‌تر از او کسی است که دوستی را که به دست آورده تباہ سازد و از دست بدهد. نیز می‌فرماید: «مَنْ لَا صَدِيقَ لَهُ لَّا دُخْرَ لَهُ» (تمیمی

آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۳۶)؛ کسی که دوستی برای او نباشد، سرمایه‌ای نخواهد داشت.

انسان‌ها نه تنها با پیوندهای دوستانه خود، اسباب شادی و تفریح یکدیگر را فراهم می‌سازند، بلکه در حقیقت، دوست سرمایه‌ای است که انسان با بهره‌گیری از آن می‌تواند مسیرهای دشوار و پریچ‌وخم زندگی را بیماید و به قله‌های سعادت نایل شود. از این رو، بدون برخوردارگی از توانایی ایجاد روابط دوستانه هرگز موفقیتی در کار نخواهد بود و انسان به ناچار در غربت زندگی گرفتار یأس و افسردگی و ملالت خواهد شد؛ «الْغَرِيبُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَبِيبٌ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۴)؛ غریب کسی است که او را دوست نباشد.

تأکید فراوان قرآن و روایات بر مسئله دوستی نشان از آن دارد که نقش دوستان به عنوان یک عامل مهم، بلکه مهم‌ترین عامل بعد از اراده خود فرد، در شکل‌دهی شخصیت آدمی و تعیین سرنوشت انسان می‌باشد؛ چراکه طبیعت انسان تأثیرپذیر است و بخش عمده‌ای از اوصاف اخلاقی و عقاید خود را از دیگرانی که با او مصاحب و قرین‌اند اخذ می‌کند، به‌ویژه آنکه در روابط دوستانه، پیوند محبت‌آمیز میان دوستان، نوعی یگانگی و وحدت را بین آنها به وجود می‌آورد. تردیدی نیست که تنها مسیر دستیابی به سرنوشت مطلوب و سعادت ابدی، همان مسیری است که ادیان الهی برای ما ترسیم کرده‌اند. معیار و ملاک اینکه انسان تا چه اندازه در مسیر سعادت و کمال خویش گام برمی‌دارد، میزان پایبندی او به دین حق است و پایبندی به دین به شدت تحت تأثیر روابط دوستانه انسان رقم می‌خورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «هر گاه امر کسی بر شما مشتبه شد و دین او را تشخیص ندادید به دوستانش نظر کنید. اگر اهل دین بودند، او نیز پیرو دین خداست و اگر بر دین خدا نبودند، پس او هم نصیب و

بهره‌ای از دین خدا ندارد» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۶۵). وحدت و همبستگی بین دوستان و تأثیر آنها در سرنوشت نهایی آنها تا حدی است که حتی در روز قیامت نیز با هم محشور می‌شوند و مقام و جایگاه یکسانی خواهند داشت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۱۳).

پیش‌تر گفته شد که فلسفه دوستی از دیدگاه اسلام همراهی و همیاری انسان‌ها بر محور وحدانیت برای رسیدن به کمال نهایی است و لازمه کمال، توجه به تمام ابعاد وجودی و تأمین نیازهای جسمی و روحی و روانی انسان است. بنابراین، تشکیل پیوند دوستی بر محور توحید، ایجاب می‌کند که طرفین این پیوند بر تأمین نیازهای مادی و معنوی یکدیگر احساس مسئولیت داشته باشند. از این رو، می‌توان دو کارکرد را برای روابط دوستانه در نظر گرفت:

۲-۱. کارکرد حمایت‌گری

از جمله حقوق و وظایفی که دوستان نسبت به یکدیگر دارند، کمک و همیاری در رفع مشکلات و تأمین مایحتاج زندگی است. روزی امام سجاد علیه السلام از شخصی پرسیدند: آیا از دوستان، کسی بر شما وارد می‌شود که هر چه نیاز دارد از کیسه شما بدون اجازه بردارد؟ عرض کرد: خیر. حضرت فرمود: بنابراین، شما با یکدیگر برادر و دوست نیستید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۷۴). البته این مطلب مسبوق به آن است که هر کدام از افراد برای زندگی خود حداکثر تلاش و کوشش را به عمل آورد، همچنان‌که در تعالیم اسلام به طور مؤکد به تلاش برای تأمین مایحتاج خود و خانواده خود توصیه شده است. اما گاهی علی‌رغم تلاش‌های جدی و طاقت‌فرسا، درآمدی متناسب با نیازها عاید انسان نمی‌گردد یا آنکه در اثر حوادث غیرمنتظره، نیازهای فوری و ضروری برای انسان پدید می‌آید که

درآمد معمول و مستمر او برای تأمین آن کافی نیست. در چنین مواردی، بر دوستان واقعی تکلیف است که فرد مضطرب را در تأمین نیازهایش پشتیبانی و حمایت نمایند. این تکلیفی است که تشکیل رابطه دوستانه بر گردن انسان خواهد گذاشت؛ چنانکه در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه السلام آمده است: «إِذَا نَبَتَ الْوُدُّ وَجَبَ التَّرَافُدُ وَالتَّعَاوُدُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۹۰)؛ هرگاه بذر دوستی روید، کمک رساندن به یکدیگر و پشتیبانی از یکدیگر واجب می‌گردد.

در حقیقت، دوست انسان، سرمایه مطمئنی است برای او که در مواقع ضروری می‌تواند از آن بهره بگیرد. اما باید توجه داشت که حفظ عزت و آبروی انسان از تأمین نیازهای وی مهم‌تر است؛ ازاین‌رو، گاهی برای انسان تحمل سختی و فشار ناشی از نیازهای مادی آسان‌تر از تحمل شرمساری ناشی از درخواست پیش دیگران می‌باشد. چه بسا انسان‌هایی که کرامت نفس آنها در هیچ شرایطی به آنها اجازه درخواست حتی از نزدیک‌ترین دوستان را نمی‌دهد. در چنین شرایطی، مسئولیت دوستان دشوارتر گردیده و می‌بایست پیش از آنکه درخواستی از طرف فرد گرفتار صورت گیرد، به تشخیص و تأمین نیاز وی مبادرت ورزند. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «لَا يَكْلُفُ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ الطَّلَبَ إِذَا عَرَفَ حَاجَتَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۶۶)؛ وقتی کسی پی برد که دوستش به چیزی نیازمند است، باید قبل از درخواست، نیاز او را برطرف کند و او را وادار به سؤال و درخواست ننماید.

۲-۲. کارکرد هدایت‌گری

خداوند برای هدایت انسان همه شرایط و ابزارها را فراهم آورده و حجت را بر او تمام کرده است. مهم‌ترین نعمتی که خداوند به انسان‌ها عطا فرموده و به واسطه آن بر آنها

منت نهاده، بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان بزرگ‌ترین مربی بشریت برای هدایت آنان است (آل‌عمران: ۱۶۴). نیز از الطاف بزرگ الهی اینکه مریبان دیگری برای انسان معین کرد و وی را تحت تربیت آنان قرار داد. والدین، معلمان دلسوز و مسئولان جامعه هرکدام سهم بسزایی در تربیت و هدایت انسان به سوی خیر و سعادت دارند، اما بر اساس روایات نقش دوستان در این زمینه از همه بیشتر است و دوستان در ردیف مهم‌ترین مریبان انسان به‌شمار می‌آیند. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: «لَيْسَ شَيْءٌ أَدْعَى لِخَيْرٍ وَ أَنْجَى مِنْ شَرٍّ مِنْ صُحْبَةِ الْأَخِيَارِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۱۳)؛ چیزی بهتر از دوستی با خوبان انسان را به عمل خیر دعوت نکرده و او را از شر نجات نمی‌دهد.

دوست و همراه و همنشین صالح در نقش بهترین مریبان انسان و جلوه‌ای از لطف و عنایت ویژه الهی نسبت به انسان خواهد بود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «وقتی خداوند بخواهد به بنده‌ای خیری برساند، برای او یک وزیر صالح قرار می‌دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۶۴). در این روایت «بنده» به صورت مطلق و عام بیان شده است، از این جهت، تلقی از «وزیر» نیز مطلق و اعم از دوست و یاور خواهد بود.

بنابراین، از جمله ویژگی‌ها و رسالت‌های دوست واقعی این است که در این مسیر خیر و سعادت انسان را راهنمایی کند، عیوب و خطاها را یادآور شود، در راه اطاعت الهی معین و یاور انسان باشد، مانع انجام معصیت شود و در همه حال انسان را متوجه یاد خدا سازد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «صَدِيقُكَ مَنْ نَهَاكَ وَ عَدُوُّكَ مَنْ أَعْرَاكَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۲۱)؛ دوست تو آن کسی است که (اگر خواستی معصیت بکنی)، تو را نهی کند و دشمن تو آن است که (اگر خواستی معصیتی انجام بدهی)، تو را مغرور و تشویق کند.

و نیز عوامل دوام و پایداری دوستی‌ها کدام است؟ در اینجا به چند ضرورت و عامل مهم که از روایات استنباط گردیده است اشاره می‌کنیم.

۳-۱. تحقیق و آزمون

تحقیق و بررسی پیش از انتخاب دوست و نیز آزمون شایستگی برای ادامه دوستی از جمله نکات مهمی است که در روایات متعددی به طور مستقیم یا غیرمستقیم مورد تأکید واقع شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «لَا تَتَّقِ بِالصَّدِيقِ قَبْلَ الْخُبْرَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۴۷)؛ قبل از آزمایش و امتحان به دوست اعتماد نکن. امام حسن علیه السلام نیز به یکی از فرزنداناش فرمود: «يَا بَنِي لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخُبْرَةَ وَ رَضِيتَ الْعِشْرَةَ فَأَجِزْ عَلَيْهِ إِقَالَةَ الْعُتْرَةِ وَ الْمَوَاسَاةِ فِي الْعُسْرَةِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۳)؛ ای پسر جانم! با احدی برادری مکن تا بدانی کجاها می‌رود و کجاها می‌آید و چه ریشه‌ای دارد، و چون خوب از حالش آگاه شدی و معاشرت‌ش را پسندیدی، با او برادری کن به شرط اینکه از لغزش هم در گذرید و در تنگی معاش با یکدیگر مواسات نمایید.

اگرچه بررسی و تحقیق پیش از ایجاد پیوند دوستی ضرورت دارد، اما ماهیت برخی تحقیق و پژوهش‌ها به گونه‌ای است که به‌ناچار باید پیوند و ارتباط به ظاهر دوستانه را برقرار نمود و در ضمن آن، به انجام آزمایش و تحقیق از ویژگی‌های دوست پرداخت؛ سپس در صورتی که با معیارهای بیان‌شده سازگار بود، به عنوان دوست خوب و حقیقی برگزیده خواهد شد. بسیاری از روایت‌ها که در مورد آزمایش دوستان وارد شده است، معطوف به همین روش می‌باشند. برای نمونه امام صادق علیه السلام در باب اینکه چگونه می‌توان دوست را آزمود،

دوستان واقعی در انجام این نقش اساسی، حتی حاضرند ملالت و رنجش‌هایی نیز به جان بخرند و با اقدامی جهادگونه، به هر طریق ممکن در راه هدایت دوست خود گام بردارند. این دوستان، گاهی با نصیحت، گاهی با جدل و گاه با سرزنش یا حتی اقدام عملی، سعی در انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر دارند. امیرمؤمنان علیه السلام این نوع مجاهدت در دوستی را باشرافت‌ترین جوانمردی برشمرده است (همان، ص ۱۹۲). البته چنین اقدامات مجاهدانه از طرف دوستان، گاه منجر به واکنش منفی طرف مقابل نیز خواهد شد که از این جهت، رعایت شرایط و مراحل انجام امر به معروف و نهی از منکر از طرف دوستان جوانمرد ضروری است. اما در عین حال، طرف مقابل نیز باید به این درجه از بینش و بصیرت دست یابد که چنین کسانی شایسته دوست داشتن هستند؛ امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز توصیه می‌کنند: «کسی را که برای نفع دینت با تو کلنجار می‌رود در راه خدا دوست مدار» (همان، ص ۱۳۷). عکس حالت فوق‌اینکه، دوستان در ایفای این نقش مسامحه یا غفلت‌کنند و از کنار معایب دوست خود به راحتی بگذرند و نسبت به انجام رفتار ناشایست دوست خود بی‌تفاوت باشند و هیچ‌گونه اقدام پیش‌گیرانه یا اصلاحی انجام ندهند؛ در این صورت است که وی مرتکب خیانت در دوستی شده است، چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ رَأَى أَخَاهُ عَلَى أَمْرٍ يَكْرَهُهُ فَلَمْ يَرُدَّهُ عَنْهُ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ خَانَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۶۵)؛ کسی که دوستش را در کار زشتی ببیند و با اینکه توانایی دارد، او را باز ندارد، به او خیانت کرده است.

۳. ضرورت‌های انتخاب دوست و تداوم دوستی‌ها

نظر به اهمیت و تأثیر روابط دوستانه در سرنوشت انسان، این سؤال مطرح می‌شود که ضرورت‌های انتخاب دوست

خود را برآورده سازد؟ آیا مصلحت مادی او ایجاب نمی‌کند که در این شرایط از دوستی خود دست بکشد؟ از سوی دیگر، کسی که توجهی به رعایت حدود شرعی حلال و حرام در کسب مال و ثروت خود نمی‌کند، حتی اگر دست بخشندگی نیز داشته باشد، باز شایسته دوستی نخواهد بود؛ چراکه ممکن است مال شبهه‌ناک یا حرام او وارد سفره مشترک دوستان گردد و آنها را نیز گرفتار عواقب تصرف در مال حرام نماید.

سومین معیار، مسافرت است. هنگام سفر، شخصیت حقیقی انسان‌ها ظهور و بروز می‌یابد؛ چراکه معمولاً انسان‌ها در طی راه و مدت اقامت، با ناهمواری‌ها و مرارت‌های بسیاری روبه‌رو می‌شوند و این رویارویی، اخلاق و شخصیت انسان را محک می‌زند و حقیقت آن را به منصف ظهور می‌رساند. بدیهی است که لازمه این بررسی و تحقیق گسترده و طولانی مدت، ایجاد رابطه موقت و ظاهری با شخص مورد نظر، پیش از برگزیدن وی به عنوان دوست حقیقی است.

هنگام بروز مشکلات و گرفتاری‌ها و زمانی که قدرت و نعمت از کف انسان می‌رود نیز فرصت مناسبی برای ارزیابی دوستان پدید می‌آورد. در این زمینه، امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمایش گهرباری دارند؛ از جمله می‌فرمایند: «فی الشدة یختبرُ الصدیق» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۷۷)؛ در گرفتاری‌هایی که برای تو پیش می‌آید، دوست را آزمایش کن.

«عند زوال القدرة یتبینُ الصدیقُ مِنَ العَدُوِّ» (همان، ص ۴۵۵)؛ هنگام زوال قدرت، دوست از دشمن تشخیص داده خواهد شد.

«عند زوال النعم یتبینُ الصدیقُ مِنَ العَدُوِّ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۷)؛ هنگام زوال نعمت دوست از دشمن تشخیص داده خواهد شد.

رهنمودهایی ارائه می‌دهد و می‌فرماید: تا کسی را به سه چیز نیاز موده‌ای، وی را دوست خود مخوان: او را به خشم آر و بنگر که در آن حالت، آیا از حق به سوی باطل می‌گراید؟ دیگر آنکه او را به درهم و دینار بیازمای و سوم اینکه او را با خود هم‌سفر کن، و در سفر، او را بیازمای (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۴۶).

مضمون حدیث این است که دوستان را باید را با سه معیار آزمود؛ معیار اول، «خشم» است و اینکه آیا خشم، او را از حق به سوی باطل می‌کشاند؟ آیا وقتی عصبانی می‌شود هرچه به دهانش بیاید، می‌گوید و هر کاری که از دستش برآید، می‌کند یا نه؟ امام صادق علیه السلام در روایتی دیگر می‌فرماید: «هرگاه از آشنایان و برادران کسی بود که سه بار بر تو عصبانی شد اما درباره‌ات بدی نگفت، او را به دوستی خود انتخاب کن» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۵۳۲).

به نظر می‌رسد در روایت اخیر، مقصود این است که باید منتظر ماند تا دوست در اثر حادثه‌ای عصبانی شود و آن‌گاه او را آزمود. اما در روایت قبل، نظر بر این است که باید با قصد و هدف و تعمداً، دوست را به خشم آورد و او را امتحان کرد. این مطلب نشان می‌دهد که برای تشخیص عیار دوستی افراد، تا آنجا می‌توان پیش رفت که حتی رنجش و آزار نسبی آنها نیز در پی داشته باشد. اهمیت این معیار به این دلیل است که گاهی انسان در حالت خشم و عصبانیت، سخنی می‌گوید یا کاری می‌کند که آسیب ناشی از آن با هیچ وسیله‌ای قابل جبران نیست. از این رو، چنین فردی هرگز نمی‌تواند نقش یک دوست حقیقی را ایفا کند.

معیار دوم در آزمایش دوستان، تشخیص نظر آنها نسبت به مادیات دنیوی است. چگونه ممکن است کسی که وابستگی شدید به مال و ثروت دارد، در شرایط ضروری و بحرانی، سخاوت به خرج داده و نیاز دوست

برای این معایب و مشکلات، حدی متناسب با ظرفیت تحمل خود و نیز متناسب با فضای موجود قایل شویم. چه بسا سخت‌گیری بیش از حد در این خصوص انسان را از داشتن دوست محروم سازد. چنان‌که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُوَاحِ الْأَمَّنْ لَا عَيْبَ فِيهِ قَلَّ صَدِيقُهُ» (ورام‌بن ابی‌فراس، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۷۳)؛ کسی که بخواهد جز با افراد بی‌عیب دوستی و برادری نکند، دوستانش کم خواهند شد. همچنین می‌فرماید: «مَنْ نَاقَشَ الْأَخْوَانَ قَلَّ صَدِيقُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۳۷)؛ کسی که بر دوستان خود سخت بگیرد، دوستانش کم خواهند شد.

نکته دوم اینکه اگر با معیارها و آزمایش‌های صحیح و معقول، کسی را شایسته دوستی دانست و انتخاب کرد، دیگر نباید حرف این و آن، وی را متأثر و از ادامه دوستی با او پشیمان کند. در همین رابطه، امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: کسی که از دوست خود، اطمینان و استقامت در دین و درستی در راه و رسم زندگی ببیند، دیگر نباید به سخنان این و آن توجه کند (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴، ص ۱۴۱). همچنین آن حضرت می‌فرماید: «مَنْ أَطَاعَ الْوَأَشِيَّ ضَعِيفَ الصَّدِيقِ» (همان)؛ هر کس به حرف سخن‌چین گوش کند، دوست خود را از دست می‌دهد.

۳-۲. عوامل تداوم و تقویت پیوند دوستی

تأمل در روایات، این نکته را روشن می‌سازد که اولاً، تداوم و تقویت ارتباط دوستی از ایجاد پیوند دوستی بسی مهم‌تر می‌باشد. ثانیاً، انگیزه انتخاب دوست، رابطه مستقیمی با تداوم دوستی دارد. شرط اصلی تداوم رابطه دوستی، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، این است که اساس رابطه بر محور توحید و رضایت الهی شکل بگیرد. ازاین‌رو، هرگونه روابطی که بر مبنای سود مادی و مطامع دنیوی شکل بگیرد، تضمینی در بقای آن نخواهد بود و

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر دوستی داشتی که به ریاستی رسید و آن‌گاه با یک دهم آن حقی که قبل از ریاستش بر عهده او داشتی، با تو برخورد کرد، بدان که دوست خوبی است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۳۴۱). آن حضرت در حدیثی جامع (همان، ج ۷۱، ص ۱۷۳)، پنج معیار برای سنجش دوستان ارائه می‌دهند: اول، ظاهر و باطنش نسبت به تو یکسان باشد. دوم، زیبایی و زشتی تو را زیبایی و زشتی خود ببیند. سوم، دستیابی به مال و رسیدن به مقام رفتارش را نسبت به تو تغییر ندهد.

چهارم، در باب رفاقت و دوستی آنچه در اختیار دارد نسبت به تو مضایقه نکند. پنجم، هنگام سختی‌ها و مصائب تو را رها و تنها نگذارد.

تحقیق قبل از محکم شدن پیوند دوستی از این جهت اهمیت دارد که وقتی پیوند حقیقی برقرار شد، محبت دوست در دل انسان تشدید می‌شود و این رابطه محبت‌آمیز موجب می‌شود که رفاقت در ابعاد گوناگون اعتقادی و نفسانی و عملی، چه رفتاری و چه گفتاری، بر روی انسان اثر بگذارد. از طرف دیگر، وقتی رابطه محبت‌آمیز برقرار شد، دیگر نمی‌تواند تشخیص بدهد که آن شخص دوست خوبی است یا خیر؛ بنابراین، در چنین مرحله‌ای تحقیق و آزمایش چنان سودی نخواهد داشت. در ارتباط با ضرورت تحقیق قبل از برگزیدن دوست، توجه به دو نکته اهمیت زیادی خواهد داشت:

نکته اول اینکه، ضرورت تحقیق برای انتخاب دوست نباید منجر به سخت‌گیری افراطی در این زمینه گردد؛ چراکه هیچ انسانی بی‌عیب و نقص نیست؛ ازاین‌رو، هیچ دوست آرمانی یافت نخواهد شد و هر کس ممکن است دارای برخی مشکلات و معایب باشد. مهم آن است که

اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز می‌فرمایند: «لَا تَدَابَرُوا وَلَا تَقَاطَعُوا وَكُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۳، ص ۱۹)؛ به یکدیگر پشت نکنید و از هم نبرید و با هم، ای بندگان خدا، برادر باشید.

معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام ضمن تأکید بر تداوم پیوند دوستی، راه‌های تحقق این امر را نیز متذکر شده‌اند. یکی از این راه‌ها، بیان لفظی و اظهار علاقه و دوستی است. برای مثال، فردی نزد امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمد و گفت: من فلانی را دوست دارم، چه کنم؟ امام فرمودند: «به او بگو دوست دارم» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۴۵۹).

از جمله امور دیگری که در تقویت و تداوم دوستی اهمیت دارند و در روایات به آنها توجه خاص شده است، می‌توان به مواردی همچون: حسن خلق، دید و بازدید، رعایت احترام، همدردی در ناخوشی‌ها، گذشت و مهربانی، عدم معارضه با آنها، سرزنش نکردن، خوش‌گمانی و حسادت نورزیدن نسبت به دوستان و پرهیز از شوخی‌های افراطی و به‌طورکلی خوب دوستی کردن اشاره کرد. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام توصیه‌های خاصی در این زمینه دارند که در ذیل، به برخی از آنها اشاره می‌نماییم:

«حُسْنُ الْخُلُقِ يورثُ الْمَحَبَّةَ وَ يُوَكِّدُ الْمَوَدَّةَ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۴۷)؛ خوش‌خویی، محبت به بار می‌آورد و دوستی را استوار می‌کند.

«أَصْدَقُ الْإِخْوَانِ مَوَدَّةٌ أَفْضَلُهُمْ لِإِخْوَانِهِ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ مُوَأَسَاةٌ» (همان، ص ۲۰۸)؛ راست‌ترین برادران در دوستی کسانی هستند که در خوشی و ناخوشی، بیشتر با برادران خود همدردی کند.

«مَنْ غَلَبَ عَلَيْهِ سُوءُ الظَّنِّ لَمْ يَثْرُكْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ خَلِيلِ صَلْحًا» (همان، ص ۶۵۰)؛ کسی که بدگمانی بر او چیره شود، میان او و دوستانش، رابطه‌ی دوستانه برجای نمی‌گذارد.

«اقْبَلْ عُذْرَ أَخِيكَ وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ عُذْرٌ فَالْتَمِسْ لَهُ

چه بسا که تبدیل به دشمنی‌های ریشه‌دار گردد. با این حال، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل‌بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، همواره بر ضرورت حفظ، تداوم و تقویت دوستی‌ها تأکید داشته‌اند. اهمیت این مطلب در روایتی از امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام به‌روشنی بیان شده است: «أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْإِخْوَانِ وَ أَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ مِنْهُمْ» (همان، ص ۲۷۸)؛ ناتوان‌ترین مردم کسی است که از دوست گرفتن عاجز باشد و ناتوان‌تر از او کسی است که دوستی را که به دست آورده تباہ سازد و از دست بدهد.

همان‌گونه که بیان شد، دوستان حقیقی، سرمایه‌ی زندگی انسانند و از دست دادن چنین سرمایه‌ای، سفاقت و نادانی است. روایات فراوانی وجود دارد که بر تداوم پیوند دوستی تأکید کرده‌اند و حتی امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام از دوستی بادوام به عنوان یک نوع خویشاوندی نام برده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۶۵). همان‌گونه که در مورد خویشاوندان، بر مسئله‌ی صلوة رحم، حتی اگر دیگران قطع ارتباط کند، تأکید گردیده و آثار و برکات فراوانی برای آن شمرده شده است، در مورد دوستان نیز سفارش شده که پیوند دوستی را حفظ کنیم، حتی اگر دیگری آن را حفظ نکند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۲۹)؛ زیرا ادامه‌ی دوستی با کسی که در حفظ این پیوند سهل‌انگار و بی‌میل است، در حقیقت، کشاندن عقل و عواطف وی در دادگاه وجدان است تا بلکه طعم شیرین دوستی و برکات آن را به او چشانده و سرچشمه‌های محبت را در او به جریان بیندازد. البته تردیدی نیست که تداوم دوستی در شرایطی که دیگری روی برمی‌گرداند، بسیار سخت و ناگوار است و به همین جهت، جز با یک احساس جوانمردی و برادری محقق نمی‌شود. امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در این باره می‌فرمایند: «أَحْسَنُ الْمُرُوءَةِ حِفْظُ الْوُدِّ» (همان، ص ۱۹۴)؛ بهترین جوانمردی، نگه داشتن دوستی است. پیامبر

الْمَوَدَّةَ وَلَا تَبْذُلْ لَهُ كُلَّ الطَّمَأِينَةِ وَاعْطِهِ كُلَّ الْمَوَاسَاةِ وَلَا تُفْضِ إِلَيْهِ بِكُلِّ الْأَسْرَارِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۶۱)؛ با دوست خود در اظهار محبت سنگ تمام بگذار، ولی صد در صد به او اعتماد نکن و شیوه احتیاط پیشه کن و با او به مواسات رفتار کن، اما همه اسرار خود را به او مگو. علت رعایت حد و مرز در دوستی، آن است که اولاً، همان‌گونه که گفته شد، رعایت این حدود، لازمه پایداری و قوام دوستی است. ثانیاً، شاید روزی ورق برگشت و دوستی به عداوت تبدیل شد. آن زمان است که انسان عواقب رعایت نکردن حد و مرز در افشای اسرار خود را خواهد دید و هزینه سنگینی پرداخت خواهد کرد. امام صادق علیه السلام در خصوص تعیین حد و مرز دوستی می‌فرماید: «وَلَا تُطْلِعْ صَدِيقَكَ مِنْ سِرِّكَ إِلَّا عَلَى مَا لَوْ أُطْلِعَ عَلَيْهِ عَدُوُّكَ لَمْ يَضُرَّكَ فَإِنَّ الصَّدِيقَ قَدْ يَكُونُ عَدُوًّا يَوْمًا» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۱۲)؛ هیچ‌گاه دوست را به رازهای خود آگاه نکن مگر رازی که اگر دشمنت بداند به واسطه آن ضرری به تو نرسد؛ چراکه دوست، روزی دشمن خواهد شد.

گاهی در جامعه شرایط خاصی رایج می‌شود که باید برخی از این حدود و ثغور را متناسب با آن شرایط و مقتضیات خاص تنظیم کرد و تغییر داد. در روایتی از امام صادق علیه السلام، تغییر حد و مرز ارتباط‌های اجتماع و پیوندهای دوستی در ارتباط با چنین شرایط بیان شده است. آن حضرت می‌فرماید: «اگر زمان، زمان جور بود و مردم هم اهل نیرنگ بودند، اعتماد به افراد از روی ناتوانی است» (همان، ص ۳۵۷). اگر زمانه طوری است که مرزشناسی کنار رفته است، منکر به معروف و معروف به منکر تبدیل شده و در جامعه فریب‌کاری، حقه و نیرنگ - که گاهی از آن تعبیر به زرنگی می‌شود - رایج گردیده است و مردم نه مرز انسانی را رعایت می‌کنند و نه مرز الهی را، در

عذر» (همان، ص ۱۶۵)؛ عذر برادر خود را بپذیر، و اگر او عذری نداشت برای خطای او عذری بتراش.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «الزَّيَارَةُ تُثَبِّتُ الْمَوَدَّةَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۳۵۵)؛ دید و بازدید دوستی را استوار می‌کند.

آن حضرت همچنین می‌فرماید: سه چیز است که دوستی انسانی را با برادر مسلمانش صفا می‌دهد: همیشه با خوش‌رویی با او برخورد کند؛ هر گاه در مجلسی بر او بنشیند برایش جا باز کند؛ به آن نامی که بیشتر آن را دوست دارد او را بخواند (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۴۵۷). آزمایش و تحقیق قبل از برگزیدن دوست، که پیش‌تر در مورد آن صحبت شد نیز در تداوم دوستی‌ها اهمیت فراوان دارد. در اینجا روایتی دیگر از امیرمؤمنان علی علیه السلام در همین زمینه نقل می‌کنیم: «مَنْ اتَّخَذَ أَخًا بَعْدَ حُسْنِ الْإِخْتِيَارِ دَامَتْ صُحْبَتُهُ وَتَأَكَّدَتْ مَوَدَّتُهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۴۸)؛ کسی که پس از آزمایش صحیح، دوستی را برگزیند، رفاقتش پایدار و دوستی‌اش استوار خواهد ماند.

از جمله عوامل تأثیرگذار در تداوم پیوند دوستی، رعایت حد و مرز دوستی است که به دلیل اهمیت خاص آن، جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۳. حد و مرز روابط دوستی

از روایات به دست می‌آید دوستی و رفاقت با دیگران حد و مرزی دارد که نباید از آن فراتر رفت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: دوستی حد و مرزی دارد و کسی که این حدود را رعایت نکند، او را به کمال دوستی نسبت ندهید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۱۷۳). این حد و مرزها در زمینه‌های مختلفی است؛ از جمله: اعتماد کردن، بیان اسرار، بذل و بخشش، شوخی کردن و

امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «إِبْذُلْ لِصَدِيقِكَ كُلَّ

این شرایط، اطمینان و اعتماد بر هر کس جایز نیست و توانایی در رعایت دقت در شناسایی ترفندها و تشخیص مرزهای دوستی است؛ زیرا اگر آن حدود نادیده گرفته شود، نوعی دشمنی در لوای دوستی‌های ظاهری شکل می‌گیرد.

۴. مراتب دوستی

پیش‌تر گفته شد که فلسفه دوستی از دیدگاه انسان، همراهی و همدوشی و وحدت انسان‌ها برای رسیدن به کمال نهایی است. دوستی و محبت از منظر قرآن و روایات مراتبی دارد. محبت و دوستی حقیقی از آن خداست و مؤمنان شدیدترین محبتشان نسبت به خداست (بقره: ۱۶۵). از این رو، هرگونه پیمانی که در مسیر محبت و رضای الهی تحقق یابد مطلوب و پسندیده و گامی ارزشمند در جهت کمال و سعادت انسان است و هرگونه پیمانی که در مسیری غیر از محبت و رضای الهی شکل بگیرد، دوستی شیطانی و باطل است و در نهایت تبدیل به دشمنی می‌شود. بنابراین، هرگونه محبت یا دوستی، حتی با مخلوقات طبیعت، از این منظر که مخلوق و آیت خداوند هستند، جایگاه خاص خود را در اسلام و روایات دارد. اما بحث ما در خصوص دوستی بین دو انسان است و اینکه کدام یک از این دوستی‌ها از درجه و کمال بالاتری برخوردار است؟ نکته اساسی در این بحث آن است که اگر می‌خواهیم دوستی‌ها، مرتبه مطلوبی از دوستی الهی باشد، پس قطعاً این دوستی بین دو مؤمن خواهد بود. درجه ایمان و تقوا و منزلت دوست نزد خداوند متعال برای انسان می‌تواند معیار مناسبی برای تعیین درجات محبت دوستی الهی باشد. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «أَحَبُّ الْإِخْوَانِ عَلَى قَدْرِ التَّقْوَى» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۱، ص ۱۸۷)؛ دوستان و برادران دینی را به اندازه تقوایشان دوست بدارید. بر همین

اساس، دوستی و محبت نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام و اولیای الهی، از جهت قدر و منزلتی که ایشان نزد خداوند متعال دارند، از برترین درجات دوستی برخوردار است و برای انسان گامی ارزشمند در جهت دستیابی به کمال دین‌داری وی و سعادت ابدی او خواهد بود. بالتبع، لازمه دوستی واقعی با معصومان و اولیای الهی، تفر و براءت از دشمنان خداست، به گونه‌ای که در روایات، دوستی و محبت با دوستان خدا همراه براءت از دشمنان خدا آورده شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «وَأَدُّوا مَنْ تُوَادُّونَهُ فِي اللَّهِ وَ أَبْغُضُوا مَنْ تُبْغِضُونَهُ فِي اللَّهِ سُبْحَانَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۷۲۹)؛ با هر که دوستی می‌کنید در راه خدا دوستی کنید و با هر که دشمنی می‌کنید در راه خدا دشمنی کنید.

امیرمؤمنان علیه السلام در بیانی دیگر می‌فرماید: «كَمَالُ الدِّينِ وَلَايَتْنَا وَ الْبِرَاءَةُ مِنْ عَدُوِّنَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۷، ص ۵۸)؛ دین کامل به دو چیز بستگی دارد: ولایت ما اهل بیت و براءت و دوری جستن از دشمنان ما.

تأثیر چنین دوستی و دشمنی در کمال انسان به اندازه‌ای است که در واقع، تمامی اعمال حسنه انسان با این معیار سنجیده می‌شود. نقش این دو رکن اساسی، که در فرهنگ دینی با عنوان «تولی و تبرا» شناخته شده، به گونه‌ای است که بدون آن ساختمان ایمان فرو می‌ریزد و چیزی از ایمان و عمل صالح نصیب انسان نمی‌گرداند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ» (همان، ج ۶۵، ص ۶۳)؛ آیا دین، جز دوستی و دشمنی است؟ از تأثیر دوستی با پیامبر صلی الله علیه و آله و آل طاهرینش، همین بس که بنا به فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پس از مرگ، انسان را به بالاترین اجر و پاداش، یعنی اجر و پاداش شهیدان می‌رساند: «مَنْ مَاتَ عَلَيَّ حُبًّا أَلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً» (همان، ج ۲۷، ص ۱۱۱)؛ هرکس با دوستی خاندان پیامبر

بمیرد شهید مرده است.

بنابراین، بالاترین مرتبه محبت و دوستی، محبت و دوستی با معصومان علیهم‌السلام و سپس اولیای الهی می‌باشد. دوستی با سایر انسان‌ها نیز بر محور ایمان و رضای الهی قابل ارزیابی خواهد بود. لیکن از آنجاکه تشخیص درجه ایمان خالصانه در افراد، گاه برای عموم مردم کار ساده‌ای نیست، باید بر اساس خلق و خو و رفتارهایی که در واقع، ثمره ایمان واقعی هستند توجه نمود و آنها را معیار سنجش دوستی حقیقی خود قرار داد. همین‌طور عدم وجود ایمان واقعی و تظاهر به ایمان نیز منشأ صفات و رفتارهایی خواهد بود که برای پرهیز از دوستی باطل با صاحبان چنین صفات و رفتارهایی، باید از آن بهره جست. در پایان به ذکر مصادیقی از دو گروه دوستان حقیقی و دوستان باطل می‌پردازیم.

الف. دوستان حقیقی

بنابر اعتقاد بسیاری از کارشناسان تربیتی و دینی، تأثیر دوست و همنشین در تشکیل شخصیت و سرنوشت انسان از هر عامل دیگری بیشتر است. این موضوعی است که روایات وارده نیز بر آن صحنه می‌گذارند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ» (همان، ج ۷۱، ص ۱۱۲)؛ خوشبخت‌ترین مردم کسی است که با مردم بزرگوار دوستی و معاشرت کند. دلیل این مسئله را چنین بیان می‌کنند که ارتباط دوستی در حقیقت، پیوند محبت‌آمیز دل‌ها و اتحاد قلوب طرفین است. به بیان دیگر، در ارتباط دوستانه نوعی «یکی شدن» روی می‌دهد و طرفین مانند یک روح در دو قالب در خواهند آمد. اگرچه این دیدگاه قدری مبالغه‌آمیز می‌نماید یا اینکه بسته به نوع دوستی‌ها می‌تواند متفاوت باشد، لیکن حاکی از درجه تأثیر دوستان در یکدیگر خواهد بود. بسیاری از

احادیثی که قبلاً ذکر گردید، مانند روایت «المرء علی دین خلیله»، به نوعی متضمن این مطلب نیز هستند؛ لیکن با توجه به اهمیت موضوع، انتظار این است که معصومان علیهم‌السلام که همواره راهنمای بشریت در همه عرصه‌ها بوده‌اند، در این زمینه نیز رهنمودهای لازم را ارائه داده باشند.

مطلب دیگر آنکه، تعیین مصادیق و ویژگی‌های دوست خوب یا دوست بد، بر اساس همان مبنا و معیار پیش‌گفته صورت گرفته است؛ یعنی حتی اگر معصومان علیهم‌السلام، مصادیق و ویژگی‌های دوست خوب یا دوست بد را نیز ذکر نمی‌کردند، تنها بر اساس همان مبنا و معیارها می‌توانستیم مصادیق را تشخیص دهیم. اما چه بسا اهمیت این مسئله و ضرورت یادآوری نسبت به آن باعث گردیده است که به صورت روشن به بسیاری از ویژگی‌های دوست خوب یا بد نیز اشاره کرده باشند. برای مثال، امام صادق علیه‌السلام دارا بودن دو صفت را معیار دوستی می‌داند: یکی نماز را به وقتش خواندن و به آن مواظب بودن و دیگری همدردی (همان، ج ۷۱، ص ۳۹۱). از این دو معیار، یکی به نیازهای روحی و معنوی و دیگری به نیازهای مادی و روانی انسان معطوف است و کسی که به مقام دوستی برگزیده می‌شود، باید هم در تأمین نیازهای مادی و معنوی خود کوشا و موفق باشد و هم توانایی یاری رساندن به دیگران در این دو زمینه را داشته باشد. البته تأمین نیازهای جسمی و مادی نباید انسان را وابسته دنیا کند و از آخرت بازدارد؛ از این‌رو، از حقوق دوستان بر یکدیگر نیز همین است که یکدیگر را در توجه به آخرت و بی‌رغبتی نسبت به دنیا یاری رسانند. امیرمؤمنان علی علیه‌السلام فرمودند: «خَيْرٌ مَنْ صَحِبْتَ مَنْ وَلَّهَكَ بِالْآخِرَةِ وَ زَهَدَكَ فِي الدُّنْيَا وَ أَعَانَكَ عَلَى طَاعَةِ الْمَوْلَى» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۵۹)؛ بهترین دوست تو کسی است

ج ۷۴، ص ۲۸۲). امام باقر علیه السلام نیز فرموده‌اند: «به چهار شخص نزدیک مشو و دوستی مکن: نادان، بخیل، ترسو و دروغگو. اما نادان می‌خواهد به تو سود برساند ولی ضرر می‌زند. اما بخیل چیزی از تو می‌گیرد، ولی چیزی به تو نمی‌دهد. اما ترسو از تو و از پدر و مادر خویش می‌گریزد، اما دروغگو راست می‌گوید، ولی کسی سخن او را تصدیق نمی‌کند» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۱۱۶). سرانجام اینکه از امیرمؤمنان علیه السلام سؤال شد: کدام دوست بد است؟ حضرت فرمود: «کسی که معصیت خدا را برای تو زیبا جلوه دهد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۹۰).

نتیجه‌گیری

روایات معصومان علیهم السلام که الهام‌یافته از وحی آسمانی و برخوردار از اقیانوس بی‌پایان معرفت الهی می‌باشد، به اهمیت دوستی و رفاقت، مطابق با ضوابط و معیارهای مشخص توجه خاص داشته‌اند. در روایات واردشده، درباره فلسفه و مبنای دوستی، تأثیرات و کارکرد رابطه دوستانه، ضرورت‌های انتخاب دوست و تداوم دوستی و نیز سلسله‌مراتب دوستی نکات فراوانی مطرح گردیده است. فلسفه دوستی از منظر روایت عبارت است از اتحاد، همدلی و همیاری برای عبور از مشکلات زندگی و نیز اصلاح و هدایت یکدیگر در مسیر توحید برای تحصیل سعادت و کمال حقیقی. دوست سرمایه‌ای است که انسان با بهره‌گیری از آن می‌تواند مسیرهای دشوار و پریچ و خم زندگی را بپیماید و به قله‌های سعادت نایل شود. مبنای تشکیل پیوندهای محبت‌آمیز و دوستانه باید رضای الهی و حرکت در مسیر قرب الی الله باشد. این مبنا علاوه بر اینکه حرکت پرشتاب انسان را بر مدار توحید رقم می‌زند، تداوم و بقای دوستی‌ها را حتی پس از مرگ نیز تضمین می‌نماید. بنابراین، میزان تقوا و تقرب

که تو را شیفته آخرت کند و نسبت به دنیا بی‌رغبت کند و تو را در فرمان‌برداری از خدا کمک کند. لازمه توجه به آخرت این است که انسان از این فرصت کوتاه دنیوی برای فرستادن زاد و توشه اخروی حداکثر استفاده را بنماید. بدون تردید، اعمال صالح مبتنی بر ایمان خالص بهترین زاد و توشه آخرت هستند. پس دوست خوب باید انسان را به انجام اعمال خیر و صالح ترغیب نماید (همان، ص ۳۵۸). از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد: کدام همنشین بهتر است؟ حضرت فرمود: «مَنْ ذَكَرَكُمْ بِاللَّهِ رُؤْيَتْهُ وَ زَادَكُمْ فِي عِلْمِكُمْ مَطْفِقُهُ وَ ذَكَرَكُمْ بِالْآخِرَةِ عَمَلُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱۸۶)؛ کسی که دیدن او شما را به یاد خدا اندازد و گفتار او دانش شما را بیفزاید و کردار او شما را به یاد آخرت اندازد.

ب. دوستان باطل

منظور از روابط دوستانه باطل، آن‌گونه روابطی است که صرفاً بر مبنای مطامع دنیوی یا سود مادی تشکیل شده باشند، یا اینکه انسان را از مسیر سعادت و کمال معنوی خود بازدارند یا او را از این مسیر دور کنند و در وادی ضلالت و گمراهی رها سازند؛ چراکه این روابط تأثیر تعیین‌کننده در این جهت خواهند داشت و انسان را ناخودآگاه به هیئت دوستان خود در خواهد آورد. روایات زیادی، ضمن پرهیز دادن به تشکیل چنین دوستی‌هایی، مصادیق و ویژگی‌های این دوستان و دوستی‌های باطل را نیز ذکر کرده‌اند. برای نمونه، امیرمؤمنان علی علیه السلام، از دوستی با فاسق و بی‌بندوباران منع می‌کند؛ چراکه دیگران نیز به گناه می‌کشاند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۱۷۰). همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بپرهیز از اینکه دوستی کنی با کسی که برای طمع و ترس یا هوای نفس و خوردن و آشامیدن رو به تو می‌آورد» (مجلسی، ۱۴۰۳،

منابع

- نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، قم، هجرت.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد، بی تا، *تهذیب الاخلاق*، کتابخانه دیجیتال مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام.
- بحرانی، مرتضی و ابوالفضل شکوری، ۱۳۸۷، «نسبت دوستی و ریاست در اندیشه سیاسی فارابی»، *تحقیقات فرهنگی*، ش ۴، ص ۱۵۹-۱۹۱.
- بستانی، احمد، ۱۳۹۲، *همایش سالانه انجمن علوم سیاسی*، در: www.tahoordanesh.com
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- ، ۱۴۱۰ق، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۵، *لغت نامه*، تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا.
- سهروردی، شهاب الدین، *هیماکل النور* (نرم افزار نورالحکمه).
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *الأمالی*، تهران، کتابچی.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، *الأمالی*، قم، دارالثقافة.
- فارابی، ابونصر، بی تا، *فصول منتزعه*، تهران، المكتبة الزهراء.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۹، *اصول الکافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران، کتاب فروشی علمیه اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، ۱۳۷۶، *عیون الحکمه*، قم، دارالحديث.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ۱۳۶۹، *مجموعه ورام (آداب و اخلاق در اسلام)*، ترجمه محمد رضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

اشخاص، ملاک ارزیابی برای تعیین درجات و مراتب دوستی خواهد بود. کمال این رابطه دوستانه، پیوند دوستی و محبت با معصومان علیهم السلام و اولیاء الله می باشد که مساعدت در بحران ها و آزمون های این دنیا و شفاعت اخروی پس از مرگ را در پی خواهد داشت.

ضروری است که انسان پیش از انتخاب دوست و پیش از محکم کردن پیوند محبت خود با دیگران، دست به تحقیق و آزمایش بزند و دوست خود را با معیارهای متناسب با مبانی یادشده مورد بررسی قرار دهد. البته سخت گیری های بی مورد در این مرحله پسندیده نیست. همواره باید به خاطر داشت که حفظ روابط دوستانه سخت تر و بااهمیت تر از ایجاد این روابط می باشد. پس نباید اجازه داد که گفتار تفرقه افکنانه سخن چینان شیطان صفت خدش های به پیوند دوستی های شایسته وارد نماید. داشتن انگیزه الهی در دوستی ها، اظهار لفظی دوستی، رعایت حد و مرز دوستی، دید و بازدید، همدردی، احترام، خوش خلقی و پرهیز از بدگمانی از جمله روش هایی است که موجب استواری و تقویت رابطه دوستی خواهند شد.